

Comparing the Effects of Forgiveness and Self-Compassion Training on Marital Conflicts in Females Facing Marital Infidelity

Zaal B¹, *Arab A², Sanagouye-Moharer GhR³

Author Address

1. PhD Student of General Psychology, Department of Psychology, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran;

2. PhD in Psychology, Assistant Professor, Psychology Department, Faculty of Education and Psychology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran;

3. PhD in Psychology, Assistant Professor, Department of Psychology, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

*Corresponding author's email: aliarab@edpsy.usb.ac.ir

Received: 2020 October 6; Accepted: 2020 November 15

Abstract

Background & Objectives: Infidelity is among the most destructive abuses experienced in a relationship, defined as "having sexual relationships with someone other than a regular spouse or sexual partner." Studies suggested that marital infidelity is the main cause of marital dissatisfaction and conflicts as well as disputes in couples. The constant conflicts between couples increase the psychological pressure imposed on both parties. Forgiveness is a psychological construct and therapeutic approach to communication problems and marital conflicts of spouses. In addition to forgiveness-based therapy, compassion-based cognitive therapy is a method to help individuals further develop an intimate relationship with themselves. Couple therapists consider marital infidelity as the most difficult problem to treat concerning marital problems. Thus, comparing different approaches can be effective in developing an integrated intervention in this respect. Therefore, this study aimed to compare the effects of forgiveness and self-compassion training on reducing conflicts between women who encountered marital infidelity.

Methods: This was a quasi-experimental study with pretest-posttest-follow-up and a control group design. The research population consisted of women who encountered marital infidelity referring to counseling and assistance centers in Birjand City, Iran, in 2018. The study sample consisted of 52 individuals who were divided into two experimental groups of forgiveness training (n=16) and self-compassion training (n=18) and a control group (n=18) and selected by purposive sampling method. The inclusion criteria of the study were as follows: being married; having experienced marital infidelity during the last two years, and no receipt of previous psychological interventions. The exclusion criteria of the research were unwillingness to continue cooperation with the study, and the existence of obvious mental health disorders (these criteria were screened through the participants' self-declaration). The study participants completed the Marriage Conflict Scale (Eggeman et al., 1985) before and after the intervention and three months later. The research intervention was performed using the forgiveness training package and self-compassion training package. Forgiveness training was developed by Park (2003) based on the 4 steps of the enlightenment forgiveness process model, including anger expression, resentment, decision making, and anger relief, i.e., performed in twelve 60-minute sessions. Self-Compassion Training was designed by Gilbert (2005) in twelve 90-minute sessions that teach empathy, compassion, acceptance and tolerance, responsibility, and a sense of worth. The obtained data were analyzed using SPSS and repeated-measures Analysis of Variance (ANOVA) at the significance level of $p < 0.05$.

Results: Investigating the interactive effect of independent variables revealed that marital conflict scores have changed over time from pre-intervention to follow-up. Besides, there was a significant difference between the three groups of forgiveness, compassion, and control in this respect ($p < 0.001$). The significance of the effect of the independent variable (group) highlights that the group variable presented a significant effect on the mean values of marital conflict; the mean scores of marital conflict significantly varied between the three research groups ($p < 0.001$). The Bonferroni posthoc test data suggested a significant difference in the scores of marital conflict between the two groups of compassion and forgiveness ($p = 0.006$), as well as between the compassion and control groups ($p < 0.001$); however, there was no significant difference between the forgiveness and control groups in this regard ($p = 1.000$).

Conclusion: The present research data indicated that the effectiveness of self-compassion training was higher than that of the self-forgiveness training on marital conflicts. Therefore, using self-compassion as a useful and effective intervention can be profitable in reducing the marital conflicts of women experiencing marital infidelity.

Keywords: Forgiveness, Self-Compassion, Marital conflicts, Infidelity, Women.

مقایسه اثربخشی آموزش بخشایش و آموزش شفقت به خود بر تعارضات زناشویی زنان زخم خورده از خیانت زناشویی

بهناز ذال^۱، *علی عرب^۲، غلامرضا شناگوی محرر^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری، روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران؛
۲. دکترای روانشناسی، استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران؛
۳. دکترای روانشناسی، استادیار گروه روانشناسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.
*رایانامه نویسنده مسئول: aliarab@edpsv.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۵ مهر ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۲۵ آبان ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: تداوم زندگی مشترک پس از تجربه بی وفایی، نیازمند مواجهه با خشم و احساسات منفی همسر آسیب دیده است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش بخشایش و آموزش شفقت به خود بر تعارضات زناشویی زنان زخم خورده از خیانت زناشویی شهرستان بیرجند انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع نیمه تجربی با طرح پیش آزمون و پس آزمون و پیگیری همراه با گروه گواه بود. جامعه پژوهش را زنان خیانت دیده مراجعه کننده به مراکز مشاوره و مددکاری شهرستان بیرجند در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. نمونه پژوهش ۵۲ نفر از زنان خیانت دیده بودند که به شیوه نمونه گیری در دسترس به صورت هدف مند انتخاب شدند. سپس در دو گروه آزمایش آموزش بخشایش (۱۶ نفر) و آموزش شفقت به خود (۱۸ نفر) و یک گروه گواه (۱۸ نفر) قرار گرفتند؛ این افراد پیش از مداخله، یک هفته پس از مداخله و سه ماه بعد از مداخله، مقیاس تعارضات زناشویی (اگمان و همکاران، ۱۹۸۵) را تکمیل کردند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر در سطح معناداری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد، تعارض زناشویی در طول زمان در دوره مداخله تا پیگیری در حال تغییر بوده است و بین سه گروه آموزش بخشایش، آموزش شفقت به خود و گواه تفاوت معنادار وجود دارد ($p < 0/001$). بین نمره تعارض زناشویی در گروه آموزش شفقت به خود و گروه آموزش بخشایش ($p = 0/006$) و همچنین بین گروه آموزش شفقت به خود با گروه گواه ($p < 0/001$) تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما بین گروه بخشایش و گروه گواه تفاوت معناداری دیده نمی شود ($p = 0/001$).

نتیجه گیری: آموزش شفقت به خود به عنوان رویکردی کارآمد و مداخله ای متمرکز بر خودپذیری، بیشتر از آموزش بخشایش می تواند در کاهش تعارضات زناشویی زنان زخم خورده از خیانت که مایل به بهبود روابط با همسر خود هستند، مؤثر باشد.

کلیدواژه ها: بخشایش، شفقت به خود، تعارضات زناشویی، خیانت، زنان.

رضایت زناشویی^۱ تسهیل‌کننده‌ای انکارناپذیر در رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه خواهد بود (۱). عامل مهم‌تر تهدیدکننده عملکرد خانواده و ثبات و پایداری ازدواج، خیانت زناشویی^۲ است که سلامت خانواده و رضایت زناشویی را به چالش می‌کشد و منجر به سستی ازدواج و برهم‌خوردن ساختار روابط صمیمانه زوجین می‌شود (۲).

خیانت، از تخلفات بسیار مخرب در روابط است (۳) که به عنوان «عمل» (رابطه جنسی با کسی که شوهر، همسر یا شریک جنسی منظم فرد نیست) تعریف می‌شود (۴) و آسیب بیشتری را به رابطه همسران وارد می‌کند؛ حتی می‌تواند رابطه را نابود کند (۵). شاید پشت‌کردن به رابطه ویران‌شده، راه حل ساده‌تر و عاقلانه‌تری باشد که فرد زخم‌خورده را از دست‌وپازدن در باتلاق امیدواری نجات می‌دهد (۶)؛ با اینکه در این بین ممکن است زوج‌ها سعی کنند حدودی از روابط خود را حفظ کنند (۷).

افشای خیانت باعث ایجاد استرس‌های زناشویی می‌شود و منجر به ایجاد مشکلات روانی اجتماعی همچون رنج، شرم، ترس از تنهایی، سرزنش خود، احساس گناه، ناامیدی، عصبانیت، وسواس درباره رفتار همسر، از بین رفتن اعتماد به نفس، افسردگی بلندمدت، اضطراب و انکار، خشم و عصبانیت، افسردگی و در برخی مواقع شروع علائم استرس پس از ضربه^۳ می‌شود (۸)؛ در نهایت ناتوانی در عملکرد معمول زندگی را به دنبال دارد؛ زیرا طبق نتایج بالینی و پژوهشی، خیانت، نتایج تخریب‌گری دارد و کارکرد رفتاری و هیجانی هر دو زوج را مختل می‌کند (۹). مطالعات نشان می‌دهد، اولین مرحله در خیانت زوجین ناراضی و تعارض زناشویی^۴ است (۱۰) و خیانت در ازدواج زمینه اصلی ناراضی زناشویی است (۱۱).

بخشایش^۵، سازه‌ای روان‌شناختی و رویکرد درمانی برای مشکلات ارتباطی و تعارض‌های زناشویی همسران است. زوجینی که اشتباهات یکدیگر را می‌بخشند، رضایت، نزدیکی و تعهد بیشتری را تجربه خواهند کرد. افزون‌براین بخشیدن خطاهای خود و دیگری، استرس^۶، سرزنش‌گری^۷، رفتار خصمانه^۸ و پرخاشگری^۹ را در روابط بین‌فردی کاهش می‌دهد؛ بنابراین افراد سازگاری، روابط سالم‌تر (۱۲) و حتی سلامت روانی و جسمی و شخصیتی را تجربه می‌کنند (۱۳) و سبب افزایش بخشودگی و صمیمیت زناشویی می‌شود (۱۴).

پژوهش‌ها حاکی از تأثیر مداخلات روان‌درمانی بر بخشایش همسر هستند و عنوان می‌کنند بخشایش می‌تواند منجر به برقراری مجدد پیوندهای ارتباطی و حل تعارض همسران شود (۱۲، ۱۵)؛ اما امروزه روش‌های جدید دیگری در حوزه روان‌شناسی شناختی^{۱۰} به‌کار گرفته شده است؛ از جمله آن‌ها می‌توان به درمان شناختی مبتنی بر شفقت به خود^{۱۱} اشاره کرد. درمان شناختی مبتنی بر شفقت، روشی برای کمک به

افراد جهت گذر از رابطه سلطه‌گر- تسلیم‌شده و گسترش بیشتر رابطه‌ای محبت‌آمیز با خود است (۱۶). شفقت به خود سازه‌ای سه مؤلفه‌ای شامل مهربانی با خود، اشتراکات انسانی و ذهن‌آگاهی است (۱۷)؛ همچنین به عنوان کیفیت مواجه‌شدن با رنج و آسیب خود و احساس کمک‌کردن کامل در جهت رفع مشکلات خود (۱۸) و به معنای مراقبت‌کردن و دلسوزی‌کردن در قبال خود در مواجهه با سختی‌ها یا نارسایی‌های ادراک‌شده (۱۹) و پذیرش احساسات آسیب‌پذیر، نگرش غیرارزیابانه به نارسایی‌ها و شکست‌های خویش و بازشناسی تجربیات فرد، تعریف می‌شود (۲۰). محور درمان مبتنی بر شفقت به خود، تسهیل در تغییر عاطفی به منظور مراقبت بیشتر و حمایت از خود است که آشفته‌گی عاطفی را کاهش می‌دهد؛ بنابراین فرد را قادر می‌سازد که بیشتر خود را تسکین دهد و کنترل کند (۱۶).

شفقت به خود و بخشایش مفاهیمی با مؤلفه شناختی هستند؛ اما بخشایش می‌تواند از شخص رنجیده در مقابل تجربه‌های بین‌فردی منفی محافظت کند و روابط اجتماعی معناداری را تسهیل کند؛ درحالی‌که شفقت، به افراد کمک می‌کند تا موقع مواجه‌شدن با دشواری‌ها و انجام رفتارهای نامطلوب با خودشان مهربان باشند و معنایی دوباره برای زندگی‌شان بیابند (۲۱). باتوجه به اینکه زوج‌درمانگران، خیانت زناشویی را به عنوان مشکل سخت‌تر برای درمان مشکلات زناشویی می‌دانند (۹)، یافتن تفاوت‌های رویکردهای مختلف می‌تواند در تدوین رویکرد درمانی یکپارچه‌ای مؤثر باشد. علاوه بر آن، تاکنون به‌طور خاص دو روش مذکور به صورت مقایسه‌ای در این گروه از زنان بررسی نشده است؛ بنابراین این پژوهش با هدف مقایسه اثربخشی آموزش بخشایش و آموزش شفقت به خود بر کاهش تعارضات زنان زخم‌خورده از خیانت زناشویی انجام شد.

۲ روش بررسی

پژوهش حاضر از نوع نیمه‌تجربی با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری با گروه گواه بود. جامعه پژوهش را زنان خیانت‌دیده مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و مددکاری شهرستان بیرجند در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. براساس حداقل تعداد نمونه تأییدشده طرح‌های نیمه‌تجربی مبنی بر ۱۵ نفر در هر گروه (۲۲) و به منظور پیشگیری از کاهش تعداد نمونه در اثر مشکلات احتمالی، ۶۰ نفر باتوجه به ملاک‌های ورود به پژوهش و اعلام همکاری، با نمونه‌گیری در دسترس به صورت هدف‌مند انتخاب شدند. سپس به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش آموزش بخشایش (۲۰ نفر) و آموزش شفقت به خود (۲۰ نفر) و یک گروه گواه (۲۰ نفر) قرار گرفتند؛ اما به دلیل همکاری نکردن برخی شرکت‌کنندگان طی مراحل اجرا، گروه نمونه به ۵۲ نفر در سه گروه بخشایش (۱۶ نفر)، شفقت به خود (۱۸ نفر) و گواه (۱۸ نفر) کاهش یافت. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به

7. Blame

8. Hostile behavior

9. Aggression

10. Cognitive psychology

11. Self-Compassion

1. Marital Satisfaction

2. Infidelity

3. Post-Traumatic stress

4. Marital conflict

5. Forgiveness

6. Stress

پژوهش عبارت بود از: ۱. متأهل بودن؛ ۲. تجربه خیانت همسر طی دو سال گذشته؛ ۳. دریافت نکردن مداخلات روان‌شناختی قبلی. ملاک‌های خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش عبارت بود از: ۱. تمایل نداشتن به ادامه همکاری؛ ۲. داشتن اختلال روان‌شناختی بارز (این ملاک‌ها از طریق خوداظهاری شرکت‌کنندگان محرز شدند). قبل از اجرای پژوهش برای رعایت موازین اخلاقی، بر حفظ اطلاعات شخصی مراجعان و محرمانه بودن داده‌ها تأکید شد و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آزمون‌ها به‌عنوان جواب کلی گروه منتشر می‌شود. داده‌های لازم از طریق مقیاس تعارض زناشویی کانزاس (۲۳) قبل از شروع آموزش، یک هفته بعد از آموزش و سه ماه بعد از آموزش جمع‌آوری شد که درباره آن توضیح داده می‌شود.

– مقیاس تعارض زناشویی کانزاس^۱: این مقیاس که به نام مقیاس تعارض زناشویی کانزاس شناخته شده است، در سال ۱۹۸۵ توسط اگمان و همکاران برای سنجش میزان تعارضات زناشویی براساس الگوی سه‌مرحله‌ای تعارضات گاتمن^۲ ساخته شد (۲۳). نمره‌گذاری این مقیاس ۲۷ سؤالی به‌صورت طیف لیکرت چهارنقطه‌ای با گزینه‌های هرگز، به‌ندرت، برخی اوقات و تقریباً همیشه و به‌ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳ و ۴ است. دامنه نمرات بین ۲۷ تا ۱۰۸ است. سؤالات ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود (۲۳). در پژوهش اگمان و همکاران پایایی مقیاس ۰/۹ به‌دست آمد (۲۳). در پژوهش عرب علیدوستی و همکاران بر جمعیت متقاضی طلاق و جمعیت عمومی، نسخه‌های ترجمه‌شده به‌کاررفته در متون علمی از این مقیاس با نسخه اصلی تطبیق داده شد و روایی سازه مقیاس از سه روش روایی همگرا، مقایسه بین گروه‌های شناخته‌شده و روایی عاملی بررسی شد. در پژوهش آن‌ها ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۹۸ به‌دست آمد؛ همچنین نشان داد که این مقیاس از روایی و پایایی مطلوب برخوردار است (۲۴). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به‌دست آمد.

مداخله پژوهش از طریق بسته آموزش بخشایش و بسته آموزش شفقت به خود انجام پذیرفت.

– مدل آموزش بخشایش توسط پارک طراحی شد (۲۵) که براساس مدل فرایندی بخشایش انرایت^۳ در دوازده جلسه ۶۰ دقیقه‌ای تنظیم شده است (۲۶). این مدل تمامی مراحل چهارگانه بخشایش فرایندی را شامل آشکارسازی خشم، ابراز رنجش، تصمیم‌گیری و رهایی از خشم، پوشش می‌دهد. این الگو که در کتاب بخشایش یک انتخاب است^۴، به‌تفصیل شرح داده شده است و جنبه‌های شناختی، رفتاری و عاطفی بخشش را درهم ادغام می‌کند. مدل مذکور مبتنی بر این باور بوده که بخشش فرایندی شامل تغییراتی تدریجی در واکنش‌های فرد درقبال شخص خطاکار است (۲۵). ضمناً روایی جلسات آموزش بخشایش در تحقیقات خارجی و ایرانی به تأیید رسیده است (۲۶، ۲۵). پارک، اعتبار تجربی این مدل را ارزیابی کرد و به این نتیجه رسید که مدل مذکور در کاهش پرخاشگری و افزایش سازگاری زنان قربانی خشونت مؤثر است (۲۵). همچنین در ایران پژوهش لوف‌پور نوری و همکاران حاکی از اثربخشی این مدل بر کاهش خشم و پرخاشگری نوجوانان پسر بود (۲۶). محتوای جلسات به‌طور خلاصه در جدول ۱ آمده است.

– آموزش شفقت به خود توسط گیلبرت طراحی شد (۲۷) که در آن همدلی، همدردی، دلسوزی، پذیرش و تحمل مسائل، مسئولیت‌پذیری و احساس ارزش‌مند بودن در دوازده جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش داده می‌شود (۱۶). اصول پایه در درمان مبتنی بر شفقت که در کتاب درمان متمرکز بر شفقت^۵، به‌تفصیل توضیح داده شده است (۲۷)، این است که افکار، عوامل، تصاویر و رفتارهای تسکین‌بخش باید درونی شوند تا ذهن انسان در مواجهه با این درونیات آرام شود. روایی جلسات آموزش شفقت به خود در تحقیقات خارجی و ایرانی تأیید شده است (۲۸، ۲۷، ۱۶). گیلبرت طی کار با افرادی که مشکلات پیچیده سلامت روان همراه با خودانتقادگری داشتند، این رویکرد را اثربخش توصیف کرد (۲۷). در پژوهش برقی ایرانی نیز آموزش شفقت به خود بر کاهش افسردگی دانش‌آموزان، معتبر و اثربخش بود (۱۶). محتوای جلسات در جدول ۲ آمده است.

جدول ۱. محتوای بسته آموزش بخشایش

جلسه	هدف و محتوای جلسات
اول	مواجهه با خشم و آشکارسازی خشم
دوم	مرور شناختی رنجش، مقایسه بین نقش شرکت‌کنندگان و فرد رنجاننده
سوم	تصمیم به گذشت، پیشه‌کردن بخشش به‌عنوان یک‌گزینه و حق انتخاب برای خاتمه‌دادن به خشم
چهارم	نگریستن با نگاهی نو، قاب‌دهی مجدد به شرکت‌کنندگان، درک آسیب‌پذیری‌های فرد رنجاننده
پنجم	تلطیف درون، همدلی برای فرد، درک رنج فرد خاطی، تغییر دادن هیجانات منفی
ششم	جذب‌کردن رنج (پذیرش)، احساس‌کردن رنجش خود
هفتم	عمق‌بخشی به درکی از سهم خویش در آزار و اذیت دیگران
هشتم	آشکارسازی احساس گناه و شرم
نهم	تشویق به طلب بخشش از فرد دیگری
دهم	یادگیری دریافت بخشش
یازدهم	نگرش قدرشناسی و نیز اشتیاق به فداکردن مقداری از عزت‌نفس (یعنی فروتنی‌کردن)

4. *Forgiveness Is a Choice*

5. *Compassion-Focused Treatment*

1. Kansas Marital Conflict Scale

2. Gotman

3. Enright's Forgiveness Process Model

جدول ۲. محتوای بسته آموزش شفقت به خود

جلسه	محتوای جلسه
اول	برقراری ارتباط اولیه، مروری بر ساختار جلسات، آگاهی از هدایت خودکار با استفاده از تمرین واریسی بدنی
دوم	آموزش پنج مهارت دانش افزایی به منظور تعریف بی تفاوتی در قبال موقعیت ها
سوم	آگاهی از رابطه بین خلق، افکار، احساسات و وقایع، تعریف همدردی
چهارم	تمرین تنفس، مراقبه و بهوشیاری
پنجم و ششم	مهارت های لازم برای همدلی، شناسایی افکار خودآیند منفی
هفتم	آموزش درباره تحریف های شناختی و روش های مقابله با آن
هشتم و نهم	به چالش طلبیدن بیمار از طریق گفت و گوی سقراطی
دهم تا دوازدهم	تمرین برای ایجاد احترام، نحوه ایجاد تصاویر دلسوزانه همراه با مراقبه

در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده ها از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و آزمون آماری تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر صورت گرفت. سطح معناداری برای آزمون های آماری، ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

۳ یافته ها

میانگین سن زنان در گروه بخشایش ۴۲/۵ سال، گروه شفقت به خود ۳۰/۵ سال و گروه گواه ۳۱ سال بود. تمامی شرکت کنندگان گروه بخشایش و گروه شفقت به خود و ۱۷ نفر از گروه گواه، خانه دار بودند

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار نمرات تعارض زناشویی در گروه های آزمایش و گواه

گروه ها	شاخص های متغیر وابسته	پیش آزمون	پس آزمون	پیگیری
بخشایش	میانگین	۷۲/۷۵	۷۵/۵	۷۴/۹۴
	انحراف معیار	۹/۹۵	۸/۶۶	۸/۶۳
شفقت به خود	میانگین	۷۵/۷۵	۸۵/۷۵	۸۵/۲۵
	انحراف معیار	۱۱/۰۶	۲/۸۳	۲/۸۲
گواه	میانگین	۷۳/۱۱	۷۳/۲۸	۷۲/۷۲
	انحراف معیار	۸/۲۳	۸/۲۸	۸/۲۹

بررسی معناداری اثر تعاملی متغیرهای مستقل در جدول ۴ نشان می دهد، تعارض زناشویی در طول زمان در دوره مداخله تا پیگیری در حال تغییر بوده است و بین سه گروه بخشایش، شفقت به خود و گواه تفاوت معنادار وجود دارد ($p < 0/001$)؛ بدین معنا که تعارض زناشویی در طول زمان از شروع مداخله تا مرحله پیگیری در حال تغییر بوده است و باتوجه به معناداری تعامل گروه و زمان، تعارض زناشویی در طول زمان در بین سه گروه تفاوت معناداری دارد ($p < 0/001$). بررسی معناداری تأثیر متغیر مستقل (گروه) نشان می دهد، متغیر گروه بر میانگین تعارض زناشویی دارای تأثیر معناداری است و میانگین نمره تعارض زناشویی در بین سه گروه مطالعه شده به طور معناداری تفاوت دارد ($p < 0/001$).

برای بررسی تفاوت میانگین ها در سه مرحله اندازه گیری و بین گروه های مطالعه شده، تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر به کار رفت. برای اجرای تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر، ابتدا پیش فرض های آن ارزیابی شد. نرمال بودن توزیع نمرات از طریق آزمون شاپیرو-ویلک بررسی و تأیید شد ($p > 0/05$). آزمون لوین برقراری پیش فرض برابری واریانس ها را نشان داد ($p > 0/05$). همچنین آزمون امپاکس مشخص کرد که فرض تساوی ماتریس کوواریانس داده ها برقرار است ($p > 0/05$). نتایج آزمون کرویت موچلی برای بررسی همگنی واریانس بین گروه ها، حاکی از رد شدن فرض کرویت بود ($p < 0/05$)؛ بنابراین برای تفسیر آزمون از آزمون محافظه کارانه گرین هاوس-گیزر برای متغیر تعارض زناشویی استفاده شد.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر

متغیر	اثر	F	مقدار p	مجذور اتا	توان آزمون
تعارض زناشویی	زمان	۳۳/۸۸	< ۰/۰۰۱	۰/۵۸	۱
	تعامل زمان و گروه	۲/۱۲	۰/۰۲	۰/۱۱۵	۱
	گروه	۸/۹	< ۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۹۸

($p < 0.001$) تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما بین گروه بخشایش و گروه گواه تفاوت معناداری دیده نمی‌شود ($p = 0.001$). این امر مشخص می‌کند که آموزش شفقت به خود در تغییر نمرات تعارض زناشویی تأثیر معناداری دارد؛ اما آموزش بخشایش به‌طور معناداری بر تعارض زناشویی مؤثر نیست.

باتوجه به معناداری تفاوت گروه‌ها در متغیر تعارض زناشویی، برای مقایسه دوه‌دوی میانگین نمرات متغیرها در سه گروه از آزمون بونفرونی استفاده شد. نتایج آزمون بونفرونی در جدول ۵ نشان می‌دهد، بین نمره تعارض زناشویی در دو گروه شفقت به خود و بخشایش ($p = 0.006$) و همچنین بین گروه شفقت به خود با گواه

جدول ۵. نتیجه آزمون بونفرونی برای مقایسه دوه‌دوی میانگین نمرات تعارض زناشویی در گروه‌ها

متغیر وابسته	گروه	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار	مقدار p
تعارض زناشویی	شفقت به خود	-۷/۸۵	۲/۴۸	۰/۰۰۶
	بخشایش	۱/۳۶	۲/۴۲	۰/۰۰۱
	شفقت به خود	۹/۲۱	۲/۳۴	<۰/۰۰۱

ذهن‌آگاهی است و به‌دلیل تمرکز بر خودپذیری در زنانی که خیانت دیده‌اند و دچار خشم و سرزنش خود شده‌اند، می‌تواند کارایی بیشتری داشته باشد (۱۷).

شفقت شامل مجموعه‌ای از عناصر هیجانی، شناختی و انگیزشی است که این عناصر در توانایی ایجاد فرصت‌هایی برای رشد و تغییر به‌همراه ملاحظت و مراقبت دخالت دارند. شفقت به خود به‌معنای تمایل به بهزیستی روانی خود است. باوجود اینکه در شفقت به خود به ضعف خود توجه می‌شود، این امر باعث منفعل بودن و سکون فرد نمی‌شود؛ بلکه شفقت‌نداشتن به خود بیشتر احتمال انفعال دارد (۳۰). شفقت‌ورزی به‌عنوان هیجان مثبتی که فرد به خود دارد، تعریف می‌شود و مانع پیامدهای منفی خودقضاوت‌گری، منزوی‌سازی و نشخوار فکری می‌شود (۱۶). طبق یافته‌های پژوهش سعیدی و همکاران شفقت به خود باتوجه به سیستم انگیزشی و توجه به هیجان‌ها در جهت‌دهی به رفتار، تغییر دیدگاه‌های فرد و اتخاذ دیدگاه‌های انعطاف‌پذیر، غیرقضاوتی و مهربانانه به خود، منجر به فعال‌شدن سیستم آرامش و پذیرش بی‌قیدوشرط در این زنان می‌شود تا به‌جای احساس شرم و سرزنش، درک بهتری از مشکلات و احساسات خود داشته باشند؛ همچنین افراد الگوهای ناسازگار فکری و هیجانی و رفتاری خود را مدیریت کنند (۲۸). در مواقع در خیانت که ناهمخوانی زوجین در نیازها و راه‌های برآورده‌کردن آن‌ها، تفاوت انتظارات و تمایلات زوجین و الگوهای تعاملی و نیز رفتارهای غیرمسئولانه آن‌ها در رابطه، منجر به تعارض زناشویی می‌شود، رفتار مشفقانه باعث می‌شود فرد آسیب‌دیده افکار و احساسات و رفتارهای ناراحت‌کننده خود را مدیریت کند (۱۱) و در موقعیت‌های دشوار به‌طور سازگارانه عمل کند (۲۸). طردشدن از طرف همسر بی‌وفا سبب ایجاد احساس بی‌کفایتی و بی‌ارزشی در زنان می‌شود که درنهایت کاهش ارتباط با همسر و دیگران را در پی دارد. این روند منجر به بحران هیجانی و کاهش رضایت زناشویی و افزایش تعارضات با همسر برای این دسته از زنان می‌شود. ایجاد اشتیاق مهربانی با خود در آموزش شفقت به خود موجب می‌شود این زنان به‌جای قضاوت خود، احساس بیشتری از انسجام و مسئولیت‌های مشترک داشته باشند و به تداوم رابطه علاقه‌مندی بیشتری داشته باشند و در پی حفظ و بهبود رابطه باشند (۳۲). از طرف دیگر، احتمال ادامه پیمان‌شکنی همسر آسیب‌جدی بر

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر مقایسه اثربخشی آموزش بخشایش و آموزش شفقت به خود بر تعارضات زناشویی زنان خیانت‌دیده بود. نتایج نشان داد، بین اثربخشی آموزش بخشایش و آموزش شفقت به خود بر تعارض زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد و اثربخشی آموزش شفقت به خود بیشتر از آموزش بخشایش است. نتیجه این پژوهش با یافته مطالعات آفاگدی و همکاران (۱۴) و حمیدی‌پور و همکاران (۲۹) ناهمسو است. آفاگدی و همکاران دریافتند بخشایش می‌تواند هماهنگی روابط میان‌فردی را فراهم آورد و آرامش ایجاد کند (۱۴) و حمیدی‌پور و همکاران دریافتند که بخشایش می‌تواند جدایی بین قربانی و خطاکار را حذف کند (۲۹)؛ از سوی دیگر، یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش میکائیلی و همکاران (۳۰) و مطالعه بهاری و همکاران (۳۱) همسو است. بهاری و همکاران دریافتند مداخلات مبتنی بر بخشایش بر تعارضات زناشویی اثربخشی ندارد (۳۱) و میکائیلی و همکاران به این نتیجه رسیدند که شفقت به خود می‌تواند در بهزیستی روان‌شناختی زنان نقش مؤثر داشته باشد (۳۰). پژوهش‌های قبلی نتیجه گرفتند که آموزش بخشایش می‌تواند بر کاهش دشواری تنظیم هیجانی و افزایش کیفیت زندگی و کاهش تعارضات دختران مؤثر باشد (۲۴). طبق یافته‌های قبلی مشاوره گروهی با روش بخشایش رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد (۲۶) و بخشایش، ۴۰ درصد و شفقت به خود ۴۲ درصد از بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌کند (۳۰)؛ اما برای اینکه بخشایش رخ دهد باید تغییری در انگیزش فرد از اجتناب از خطاکاری یا تقاص، به همدلی و آشتی رخ دهد. رویکردهای سیستمی، بخشایش را به‌عنوان مؤلفه‌ای درون‌روانی یا مذهبی قرار می‌دهند که بر بخشش بدون چون و چرا تأکید دارند و افراد تشویق می‌شوند رویکرد مثبتی به فرد آسیب‌رسان ایجاد کنند (۸)؛ اما طبق یافته‌های پژوهش آفاگدی و همکاران، به‌نظر می‌رسد تمرکز درمان رابطه زناشویی پس از خیانت بر رویکرد بخشایش نمی‌تواند مؤثر باشد؛ زیرا زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی در ذهن خود به‌طور مستمر و به‌شکل تهاجمی و آسیب‌رسان بر تصویر خیانت همسر متمرکز می‌شوند و برنامه‌های متمرکز بر ذهن‌آگاهی، بیشتر می‌تواند مؤثر باشد (۱۴)؛ بنابراین بنا به تعریف، شفقت به خود سازه‌ای دارای سه مؤلفه مهربانی با خود، اشتراکات انسانی و

رضایت زناشویی و به تبع آن افزایش تعارضات زوجین وارد می‌کند. مؤلفه ذهن‌آگاهی که در شفقت به خود آموزش داده می‌شود، کمک می‌کند تا این دسته از زنان درباره افکار خود هوشیارتر باشند و نحوه ارتباط خود با افکارشان را تغییر دهند. این امر در کاهش نارضایتی‌ها و تعارضات مفید واقع می‌شود (۱۴)؛ بنابراین تمرکز بر شفقت به خود می‌تواند در کاهش تعارضات زناشویی مؤثرتر باشد. یافته‌های این پژوهش با ساختار روانی زنان خیانت‌دیده تفسیر می‌شود و تعمیم‌پذیر به مردان نیست؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی بررسی نتایج این مطالعه را در مردان خیانت‌دیده مدنظر قرار دهند؛ همچنین به مدت زمان خیانت و تکرار خیانت توجه شود. مطالعات آتی می‌توانند با بررسی این متغیرها، جایگاه بخشایش و شفقت به خود را در ترمیم رابطه زناشویی آسیب‌دیده از خیانت به‌طور دقیق‌تری مشخص کنند.

۵ نتیجه‌گیری

شفقت به خود به‌دلیل ایجاد هیجان مثبت درقبال خود می‌تواند بر تعارض زناشویی تأثیرگذار باشد و رضایت زناشویی را افزایش دهد؛ بنابراین استفاده از شفقت به خود به‌عنوان رویکردی کارآمد و مداخله‌ای اثربخش می‌تواند در کاهش تعارضات زناشویی زنان زخم‌خورده از خیانت مؤثر باشد؛ ازاین‌رو باتوجه به افزایش آسیب‌های زندگی زناشویی و خیانت همسران می‌توان برنامه‌های آموزشی مبتنی بر شفقت به خود را برای افرادی که مایل به بهبود روابط با همسر خود هستند، گسترش داد.

۶ تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، تشکر و قدردانی کنند.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان
این پژوهش برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته روان‌شناسی

عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان است. مجوز اجرای آن روی افراد نمونه از سوی کلینیک مددکاری اجتماعی مشتاق بیرجند با شماره نامه ۹۸/۸۴۷ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ صادر شده است. تمامی داده‌های این پژوهش با اطلاع و رضایت شرکت‌کنندگان جمع‌آوری شد و شرکت‌کنندگان برای خروج از فرایند پژوهش، محدودیتی نداشتند؛ همچنین قبل از اجرای پژوهش برای رعایت موازین اخلاقی، بر حفظ اطلاعات شخصی مراجعان و محرمانه‌بودن داده‌ها تأکید شد و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آزمون‌ها به‌عنوان جواب کلی گروه منتشر می‌شود.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

دردسترس بودن داده‌ها و مواد

اطلاعات پژوهش توسط نویسندگان در فضای ابری <https://drive.google.com/drive/my-drive> نگهداری می‌شود و در هر زمان که از طرف مسئولان نشریه خواسته شود در اختیار قرار خواهد گرفت.

تزامن منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

در این پژوهش هیچ‌گونه حمایت مالی از طرف سازمان یا نهادی دریافت نشده است و تمامی هزینه‌ها توسط نویسنده اول تأمین شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول در ارائه ایده پژوهشی و جمع‌آوری داده‌ها، نویسنده دوم در طراحی مطالعه و نویسنده سوم در آنالیز و تفسیر داده‌ها مشارکت داشته‌اند.

References

1. Ruhlmann LM, Gallus KL, Durtschi JA. Exploring relationship satisfaction and attachment behaviors in single- and dual-trauma couples: A pilot study. *Traumatology*. 2018;24(1):27–35. doi: [10.1037/trm0000129](https://doi.org/10.1037/trm0000129)
2. Dehghani M, Aslani K, Amanuelahi A, Rajabi G. The effectiveness of emotionally focused couples therapy based on attachment injury resolution model on forgiveness among the injured women with marital infidelity. *Family Counseling and Psychotherapy*. 2019;9(1):143–60. [Persian] http://fcp.uok.ac.ir/article_61273_6f4a5bdf9fd9489575134b7ee97721e3.pdf
3. Shrout MR, Weigel DJ. Coping with infidelity: The moderating role of self-esteem. *Personality and Individual Differences*. 2020;154:109631. doi: [10.1016/j.paid.2019.109631](https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109631)
4. Pichon M, Treves-Kagan N, Stern E, Kyegombe N, Stöckl H, Buller AM. A mixed-methods systematic review: infidelity, romantic jealousy and intimate partner violence against women. *Int J Environ Res Public Health*. 2020;17(16):5682. doi: [10.3390/ijerph17165682](https://doi.org/10.3390/ijerph17165682)
5. Ignat R. 704 Infidelity, impulsivity, attachment and distorted cognitions. *The Journal of Sexual Medicine*. 2018;15(7):S401. doi: [10.1016/j.jsxm.2018.04.612](https://doi.org/10.1016/j.jsxm.2018.04.612)
6. Spring JA. After the affair: healing the pain and rebuilding trust when a partner has been unfaithful. Farji M. (Persian translator). Tehran: Roshd Pub; 2014.
7. Peluso PR, editor. Infidelity: a practitioner's guide to working with couples in crisis. Vakili P, Khaleghi A. (Persian translator). Tehran: Arjmand Pub; 2015, pp:31–2.
8. Williams ML. Romantic love communication: Examination of Equity and Effects on Relational sexual and communication satisfaction [Ph.D dissertation]. [Ohio, US]: Kent State University; ۲۰۱۲.

9. Snyder DK, Baucom DH, Gordon KC. An Integrative Approach to Treating Infidelity. *The Family Journal*. 2008;16(4):300–7. doi: [10.1177%2F1066480708323200](https://doi.org/10.1177%2F1066480708323200)
10. Brown SL, Sanchez LA, Nock SL, Wright JD. Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability, and divorce: A comparison of covenant versus standard marriages. *Social Science Research*. 2006;35(2):454–70. doi: [10.1016/j.ssresearch.2006.03.001](https://doi.org/10.1016/j.ssresearch.2006.03.001)
11. Bagarozzi DA, Sperry L. Couples assessment strategy and inventories. In: *Couple and family assessment: Contemporary and cutting-edge strategies*, 2nd ed. New York, US: Routledge/Taylor & Francis Group; 2012. pp: 137–62. (Family therapy and counseling series).
12. DiBlasio FA, Benda BB. Forgiveness intervention with married couples: Two empirical analyses. *Journal of Psychology and Christianity*. 2008;27(2):150–8.
13. Nudelman G, Nadler A. The effect of apology on forgiveness: Belief in a just world as a moderator. *Personality and Individual Differences*. 2017;116:191–200. doi: [10.1016/j.paid.2017.04.048](https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.04.048)
14. Aghagedi P, Golparvar M, Khayatan F, Aghaei A. Forgiveness based mindfulness and emotionally focused therapy on rumination and marital satisfaction of women injured by husband's infidelity. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*. 2019;9:102. [Persian] <https://jdisabilstud.org/article-1-1188-en.pdf>
15. Meneses CW, Greenberg LS. Interpersonal forgiveness in emotion-focused couples' therapy: relating process to outcome. *J Marital Fam Ther*. 2014;40(1):49–67. doi: [10.1111/j.1752-0606.2012.00330.x](https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2012.00330.x)
16. Barghi Irani Z, Bagiyan Kulemare MJ, Bakhti M. Effectiveness of cognitive therapy based on. *Contemporary Psychology*. 2016;11(1):103–17. [Persian] <http://bjcp.ir/article-1-518-fa.pdf>
17. Foroutan M, Nejat H, Toozandehjani H. Comparing the effectiveness of compassion-focused therapy and dialectical behavior therapy on distress tolerance and pain management in patients with multiple sclerosis. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*. 2020;10:30. [Persian] <https://jdisabilstud.ir/article-1-1221-en.pdf>
18. Wren AA, Somers TJ, Wright MA, Goetz MC, Leary MR, Fras AM, et al. Self-compassion in patients with persistent musculoskeletal pain: relationship of self-compassion to adjustment to persistent pain. *J Pain Symptom Manage*. 2012;43(4):759–70. doi: [10.1016/j.jpainsymman.2011.04.014](https://doi.org/10.1016/j.jpainsymman.2011.04.014)
19. Neff KD, Kirkpatrick KL, Rude SS. Self-compassion and adaptive psychological functioning. *Journal of Research in Personality*. 2007;41(1):139–54. doi: [10.1016/j.jrp.2006.03.004](https://doi.org/10.1016/j.jrp.2006.03.004)
20. Raes F. Rumination and worry as mediators of the relationship between self-compassion and depression and anxiety. *Personality and Individual Differences*. 2010;48(6):757–61. doi: [10.1016/j.paid.2010.01.023](https://doi.org/10.1016/j.paid.2010.01.023)
21. Basharpour S, Isazadegan A. Role of self-compassion and forgiveness in prediction of depression severity among university students. *Journal of Research in Behavioural Sciences*. 2013;10(6):452–61. [Persian] <https://rbs.mui.ac.ir/article-1-278-en.pdf>
22. Delavar A. Educational and psychological research. Tehran: Virayesh Pub; 2015. [Persian]
23. Eggeman K, Moxley V, Schumm W R. Assessing spouses' perceptions of Gottman's temporal form in marital conflict. *Psychol Rep*. 1985;57(1):171–81. <https://doi.org/10.2466/pr0.1985.57.1.171>
24. Arab Alidousti A, Nakhaee N, Khanjani N. Reliability and validity of the Persian versions of the ENRICH Marital Satisfaction (Brief version) and Kansas Marital Satisfaction Scales. *Health and Development Journal*. 2015;4(2):158–67. [Persian] http://jhad.kmu.ac.ir/article_91375_6741ab3b21dfed36ea62dbc37e513806.pdf
25. Park JH. Validating the effectiveness of a forgiveness intervention program for adolescent female aggressive victims in Korea. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences*. 2003;64(5-A):1528.
26. Lavafpour Noori F, Zahrakar K, Sanai Zaker B. a study of effectiveness of group forgiveness therapy in reducing aggression among 11-13 year old male adolescents in city of Dezful. *Shahid Sadoughi Uni Med Sci*. 2012;20(4):489–500. [Persian] <http://jssu.ssu.ac.ir/article-1-2138-en.pdf>
27. Gilbert P. Compassion focused therapy: distinctive features. Esbati M, Feizi A. (Persian translator). Tehran: Ebn-e-Sina Pub;2018.
28. Saeidi M, Khalatbari J, Ghorbanshiroudi S, Abolghasemi S. Cognitive behavioral therapy and compassion focused therapy on loneliness of women on the verge of divorce. *Middle Eastern Journal of Disability Studies*. 2020;10:9. [Persian] <https://jdisabilstud.ir/article-1-1220-en.pdf>
29. Hamidipour R, Sanaee Zaker B, Nazari AM, Naghi Farahani M. Effectiveness of forgiveness-based marital group therapy on matrimonial satisfaction. *Women's Studies Sociological and Psychological*. 2010;8(4):49–72. [Persian] doi: [10.22051/jwsp.2010.1384](https://doi.org/10.22051/jwsp.2010.1384)
30. Mikaeli N, Karimi S, Basharpour S. Naghshe delsouzi be khod dar pishbini behzisti ravanshenakhti zanan nabavar [The role of self-compassion in prediction of psychological well-being of infertile women]. In: *Second National Conference on Psychology of Educational and Social Sciences* [Internet]. Babol, Iran: Scientific Research Institute of Komeh Elmavaran; 2016. [Persian] <https://civilica.com/doc/557953>
31. Bahari F, Fatehizadeh M, Ahmadi S, Molavi H, Bahrami F. The effect of hope, forgiveness and combined marital counseling on interpersonal cognitive distortions of divorcing couples. *Journal of Research in Behavioural Sciences*. 2010;8(1):25–33. [Persian] <http://rbs.mui.ac.ir/article-1-165-en.pdf>
32. Dashtbozorgi Z. Effectiveness of self- compassion therapy on loneliness and emotion regulation of damaged women from marital infidelity. *Knowledge & Research in Applied Psychology*. 2018;18(4):72–9. [Persian] http://jsr-p.khuhsf.ac.ir/article_539410_664e5da5433ac553f3b3f79d62e6cde6.pdf